

بسم الله الرحمن الرحيم و صلى الله على رسوله ﷺ و اهل بيته ﺍﻟﺒﯿﺘﻪ ﺍﻟﯩﻤﯩﻨﻪ

## تحليل احاديث معرفت به حق امام

علی اصغر پارسا مقدم

### چکیده

خداوند متعال مجموعه‌ای از حقوق را برای اهل بیت علیهم السلام مقرر فرموده است که شناخت و رعایت آن‌ها از ضروریات دین برشمرده می‌شود. روشن است که رعایت این حقوق در گرو آگاهی به آن‌هاست که در روایات با عنوان «معرفت به حق امام» مطرح شده و از الزامات اساسی در مراتب معرفت امام به‌شمار می‌آید. این پژوهش، به روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع حدیثی، تفسیری و تاریخی، اوصاف، ضرورت، کارکرد و پیامدهای عدم آن را بررسی نموده است. نتایج نشان از آن دارد که امامان معصوم ﺍﻟﺒﯿﺘﻪ بر اهمیت این معرفت تأکید فرموده و آن را بزرگ‌ترین واجب الهی و شرط قبولی اعمال دانسته‌اند. همچنین، معرفت به حق امام دارای اوصافی همچون: قلبی بودن، متقابل بودن حقوق امام و امت، و استیفاپذیری آن تنها از سوی خداوند است. کارکردشناسی نشان از آن دارد که این نوع از معرفت به تقویت ایمان، افزایش حسنات، ایجاد آرامش درونی، معنویت‌افزایی و انسجام اجتماعی می‌انجامد. در مقابل، غفلت از آن به محرومیت از رحمت الهی و ضعف در اعمال عبادی منجر می‌گردد. این پژوهش با بهره‌گیری از روایات معتبر و تحلیل آن‌ها، تلاش نموده تا اهمیت معرفت به حق امام را به‌عنوان یکی از ارکان هدایت الهی و تقرب به خداوند روشن سازد و تأثیر آن را بر زندگی فردی و اجتماعی تبیین نماید.

واژگان کلیدی: امامت، حقوق اهل بیت ﺍﻟﺒﯿﺘﻪ، معرفت به حق امام، آثار معرفت به حق امام، پیامدهای غفلت از حق امام.

## مقدمه

امامت یکی از ارکان اساسی در مکتب امامیه است که به عنوان مرز میان حق و باطل، نقشی کلیدی در هدایت بشر به سوی سعادت و کمال معنوی دارد. اهل بیت علیهم السلام به عنوان پیشوایان معصوم، مسئولیت تبیین مفاهیم دینی را بر عهده دارند. امامت در امامیه نه تنها به عنوان یک اصل اعتقادی، بلکه به عنوان راهنمای عملی برای زندگانی مسلمانان مطرح است. جایگاه امامت در هدایت فرد و جامعه به سمت عدالت، تقوا و معنویت تأثیری انکارناپذیر دارد.

شناخت امام و جایگاه او، به ویژه معرفت به حق امام، یکی از مهم ترین موضوعاتی است که در روایات امامیه بر آن تأکید شده است. روایاتی مانند: «مَنْ عَرَفَنِي وَ عَرَفَ حَقِّي فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ لِأَنِّي وَصِيٌّ نَبِيٌّ فِي أَرْضِهِ وَ حُجَّتُهُ عَلَى خَلْقِهِ لَا يَنْكُرُ هَذَا إِلَّا رَادًّا عَلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ» (ابن بابویه، ۱۳۹۸ ق، ۱۶۴) نشان دهنده ارتباط مستقیم معرفت امام با توحید، نبوت و هدایت الهی است. با وجود تأکید فراوان آیات و روایات بر ضرورت معرفت به امام و حق ایشان، این موضوع همچنان یکی از مسائل مغفول در جامعه است. عدم درک صحیح از این شناخت می تواند به پیامدهایی مانند ضعف ایمان، کاهش ارتباط با اهل بیت، و آسیب به انسجام اجتماعی منجر شود. از سوی دیگر، معرفت به حق امام، زیربنای پذیرش اعمال عبادی، تقویت ایمان، و بهره مندی از برکات الهی در زندگی فردی و اجتماعی است.

این پژوهش با هدف تحلیل احادیث مرتبط با معرفت به حق امام تدوین شده است. تمرکز اصلی مقاله بر بررسی ضرورت این معرفت، فواید شناخت و رعایت این حق، پیامدهای ناشی از غفلت از آن، و تأثیرات آن در زندگی دینی و اجتماعی است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. در ابتدا، احادیث مرتبط با معرفت به حق امام از منابع معتبر حدیثی، تفسیری، تاریخی و... جمع آوری شده و سپس تحلیل آن ها صورت گرفته است. همچنین، آیات مرتبط با موضوع پژوهش استخراج و در کنار احادیث مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته اند. ارزیابی صحت اسناد احادیث نیز با استفاده از روش های سندشناسی انجام شده است تا دقت و صحت نتایج پژوهش تضمین شود.

## پیشینه تحقیق

پیشینه پژوهش نشان می دهد که هر چند آثاری در زمینه حقوق اهل بیت علیهم السلام نگاشته شده، اما هیچ یک به صورت جامع به ضرورت، ویژگی ها، و پیامدهای معرفت به حق امام نپرداخته اند. برای نمونه، علیرضا عظیمی فر و فریده پیشوایی در مقاله خود با عنوان «تبیین حقوق مالی اهل بیت علیهم السلام در قرآن و آثار و لوازم آن»، صرفاً به جنبه های مالی حقوق اهل بیت علیهم السلام پرداخته و به موضوع حقوق معرفتی آنان اشاره نکرده اند. این محدودیت در موضوع، نشان دهنده نیاز به بررسی جنبه های معرفتی و معنوی است.

همچنین، محمدرضا جواهر در مقاله «دیدگاه امام رضا علیه السلام درباره حقوق اهل بیت علیهم السلام و وظایف مردم در قبال امامان» تنها از منظر امام رضا علیه السلام به موضوع پرداخته و جنبه های کلی تر موضوع را بررسی نکرده است.

پایان نامه «حقوق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر امت از منظر روایات کتاب کلینی، الکافی» نوشته ی مجتبی بهتری نژاد نیز به اثبات موضوع این پژوهش نپرداخته و تمرکز آن بیشتر بر حقوق پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است.

هر چند در کتاب «حقوق اهل بیت در قرآن و روایات» به انواع حقوق اهل بیت علیهم السلام اشاره شده است، اما در خصوص معرفت به حق امام، تنها اشاره ای مختصر وجود دارد.

در کنار این پژوهش ها، منابع کلیدی حدیثی مانند «اصول کافی»، «تهذیب الأحکام»، «عیون اخبار الرضا علیه السلام»، «ثواب الأعمال و عقاب الأعمال» و... نیز مورد توجه این تحقیق بوده اند. این منابع، علاوه بر صحت و اعتبار بالا، دارای روایات گسترده و جامعی در زمینه شناخت حق امام هستند که پژوهش حاضر تلاش کرده است آن ها را تحلیل نماید.

با توجه به موارد فوق، این پژوهش در تلاش است تا خلأهای موجود را پر کرده و به‌طور خاص و مبسوط به تحلیل احادیث مرتبط با معرفت به حق امام بپردازد. این تحقیق با تمرکز تحلیل آماری این از دست روایات و بیان ضرورت، فواید، و پیامدهای عدم شناخت این حق، نوآوری‌هایی نسبت به پژوهش‌های پیشین ارائه می‌دهد.

## مفهوم شناسی

برخی از واژگان اساسی این پژوهش نیازمند واکاوی معناشناختی هستند. بر این اساس به معناشناسی دو واژه معرفت و حق پرداخته می‌شود.

## مفهوم معرفت

خلیل فراهیدی در بررسی واژه «علم» رویکردی سلبی اتخاذ کرده و آن را به نقیض جهل تعریف نموده‌اند. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۲: ۱۵۲) این در حالی است که گروهی از لغت‌شناسان همچون جوهری، فیروزآبادی و زبیدی، علم را مترادف با معرفت دانسته‌اند و نوعی هم‌پوشانی معنایی بین این دو مفهوم قائل شده‌اند (جوهری، ۱۴۰۴ق، ۵: ۱۹۹۰؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ۴: ۱۵۳؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ۸: ۴۰۵). طریحی نیز اظهار می‌دارد که گاهی علم و معرفت به صورت متبادل به کار می‌روند (طریحی، ۱۳۷۵ش، ۶: ۱۲۱). فیومی گامی فراتر نهاده و دو معنای متمایز برای علم ارائه می‌دهد: یقین و معرفت (فیومی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۸۳). ابوهلال عسکری معرفت را «علم تفصیلی به عین شیء» می‌داند، در حالی که علم می‌تواند هم مجمل و هم مفصل باشد (عسکری، ۱۴۰۰ق، ۷۲)؛ بر این اساس، معرفت را مفهومی اخص از علم برمی‌شمارد. این تمایز مفهومی نشان می‌دهد که معرفت مرتبه‌ای خاص از علم است که با تفصیل و جزئی‌نگری همراه است.

ابن فارس برای واژه «عرف» دو اصل بنیادین قائل است: اصل نخست به معنای پیوستگی و اتصال اجزا و اصل دوم به معنای آرامش و اطمینان نفس که مفهوم معرفت از این اصل دوم نشأت می‌گیرد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۴: ۲۸۱). در همین راستا، راغب اصفهانی معرفت را «درک کردن شیء از روی تفکر و تدبیر در اثر آن شیء» تعریف می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۵۶۰).

محقق مصطفوی پس از بررسی و تحلیل جامع دیدگاه‌های زبان‌شناسان پیشین، نظریه‌ای نوآورانه ارائه می‌دهد که در آن، برخلاف ابن فارس، تمامی کاربردهای واژه مورد بحث را به یک اصل واحد ارجاع می‌دهد. از منظر مصطفوی، سه حرف «ع، ر، ف» صرفاً یک ریشه دارند که دلالت بر آگاهی یافتن از شیء و خصوصیات آن دارد، مشتمل بر سه مؤلفه بنیادین: اطلاع، تمییز، و شناخت ویژگی‌ها. بر این اساس، معرفت مفهومی اخص نسبت به علم محسوب می‌شود، زیرا در معرفت، علاوه بر اصل آگاهی، تمییز شیء از غیر و شناخت خصوصیات آن نیز ملحوظ است. به باور وی، جوهره اصلی علم همان حضور و احاطه بر شیء است که اگر با ادراک خصوصیات همراه شود «معرفت» و اگر به مرحله طمأنینه نفس برسد «یقین» نامیده می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ۸: ۹۶-۹۸). با توجه به مفهوم لغوی کلمه «معرفت» و این نکته که در احادیث به‌طور مشخص تعریفی از آن ارائه نشده است، می‌توان معرفت به حق امام را به معنای شناخت عمیق، تفصیلی و همراه با التزام عملی نسبت به مجموعه حقوقی است که برای امام ثابت شده، از جمله اولویت، اطاعت، نصرت، محبت به امام و...؛ این معرفت فراتر از آگاهی ذهنی صرف، با بصیرت قلبی و یقین همراه است.

## مفهوم حق حق

واژه پژوهی «حق» در زبان عربی نشان از وجود معانی متعددی دارد. در لغت به معنای «خلاف باطل» است. (جوهری، ۱۴۰۴ق، ۴: ۱۴۶۰) و از نظر ابن فارس، واژه «حق» از ریشه‌ای واحد به معنای احکام شیء سرچشمه می‌گیرد. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۱: ۴۶) زمانی که این واژه در ترکیب «حق‌الشیء» به کار رود، به معنای واجب شدن چیزی است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۳: ۶) همچنین، وقتی

واژه «حق» با حرف جر «علی» همراه می‌شود، مانند عبارت «یحق علیک کذا»، به معنای واجب بودن انجام کاری برای شخص است. (ازهری، ۱۴۲۱ق، ۳: ۲۴۱)

در تفسیر معنای ریشه‌ای واژه «حق»، برخی به استحکام و استواری اشاره دارند. به عنوان مثال، «ثوب محقق» به معنای پارچه‌ای با بافت محکم است. (جوهری، ۱۴۰۴ق، ۴: ۱۴۶۰) به طور کلی، این واژه در زبان عربی در زمینه‌های مختلف معنای ثابت و استواری دارد.

در اصطلاحات مختلف، واژه «حق» معانی خاص خود را دارد. در فلسفه، فقه، حقوق و اخلاق، هر کدام از این رشته‌ها تعریفی متفاوت از «حق» ارائه داده‌اند. آنچه در اینجا بیشتر مد نظر است، معنای «حق» در روایات و لوازم آن در زمینه‌های کلامی است.

در فقه، «حق» به معنای «حقوق ثابت» است که انکار آن غیرممکن است، مانند سهم یک فرد از ترکه میت (حسینی، ۱۳۸۲ش، ۱۸۶-۱۸۷) این حق بر اساس قواعد اعتباری است که به افراد یا گروه‌ها اجازه تصرف در اموال یا حقوق دیگران را می‌دهد و به نوعی امتیاز برای صاحب حق می‌آورد. در این معنا، رابطه میان «من له الحق» و «علیه الحق» به وضوح تفکیک می‌شود و هر شخص موظف است به حق دیگری احترام بگذارد و از تجاوز به آن خودداری کند. (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۴ش، ۵۲)

### مصادیق حق امام

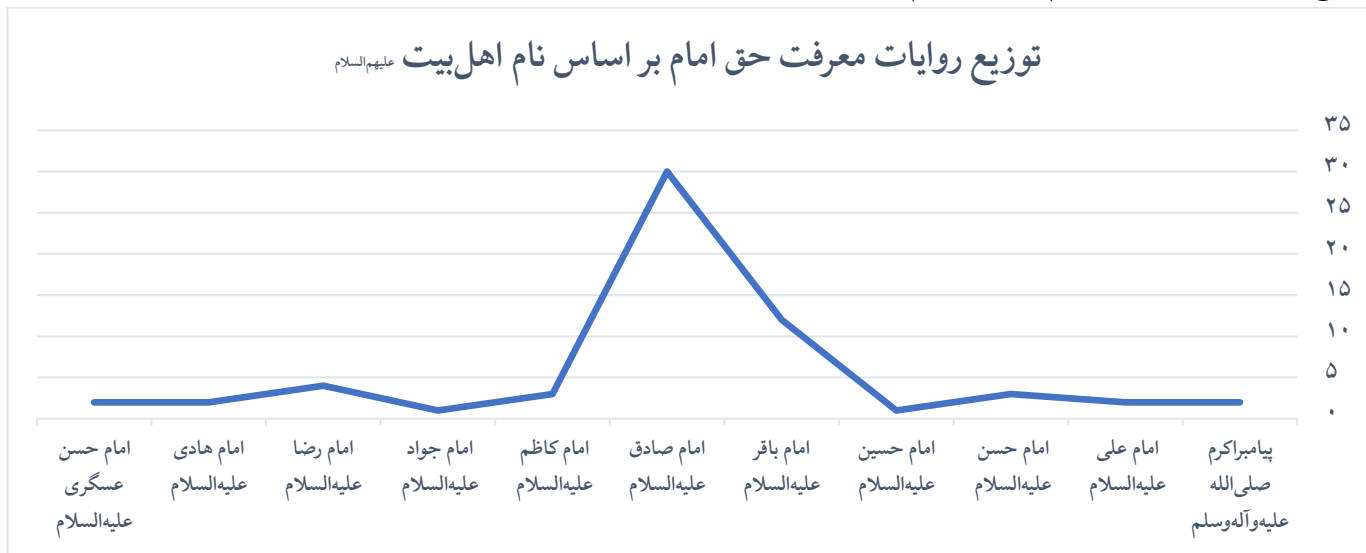
در روایات مختلفی که از اهل بیت علیهم‌السلام نقل شده است، حقوق متعددی برای امامان علیهم‌السلام بیان شده است. شماری از این حقوق عبارتند از: اولویت دادن به امام در تمامی امور، (طوسی، ۱۴۱۴ق، ۹) نصرت و حمایت از ایشان، (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۲: ۶۲۲) شنیدن و اطاعت از دستوراتشان، (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۴۰۵) مودت و محبت نسبت به ایشان، (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ۱: ۲۳۳) شناساندن فضائل امام به دیگران، (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۴۲۸). زیارت امام، (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ۱۲۲) ارتباط معنوی و صلة الامام، (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۵۳۷) پرداخت خمس، (عیاشی، ۱۳۸۰ش، ۱: ۳۲۵) همچنین ادای صلوات کامل (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۴۹۵) و ...

### اعتبارسنجی

این پژوهش با بهره‌گیری از قریب به هفتاد روایت از منابع متقدم امامیه، به تحلیل احادیث مرتبط با موضوع پرداخته است. ارزیابی اسناد این احادیث با استفاده از نرم‌افزار درایة‌النور نشان می‌دهد که حدود ۳۰ روایت از این مجموعه دارای اسناد صحیح و تعدادی نیز دارای درجه اعتبار موثق هستند. نمونه‌هایی از این احادیث شامل بخش‌هایی از اصول کافی، ۱: ص ۲۰۳، ۲۱۴، ۳۷۷، ۴۲۶ و ۴۳۷؛ ج ۳، ص ۴۱۵؛ ج ۴، ص ۲۴۱؛ ج ۵، ص ۵۵۵؛ ۸: ص ۳۱۱؛ توحید شیخ صدوق، ص ۱۶۴؛ من لایحضره الفقیه، ۲: ص ۶۱۶؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ۱۸؛ ابن بابویه، ۱۳۸۵ش، ۱: ص ۲۴۹ و ۱۵۵؛ ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۰۵؛ فضائل الشیعه، ص ۲۰؛ کمال الدین و تمام النعمه، ۲: ص ۳۵۸؛ عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، ۲: ص ۲۵۶ و ۲۵۷ خصال، ۲: ص ۶۳۳؛ تهذیب الأحکام، ۶: ص ۱۰۰ و ۹۷؛ امالی شیخ طوسی، ص ۶۵۴ و ۲۱۴؛ رجال کشی، ص ۵۷۵؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ۱۴۷، ص ۱۴۵ و ۳۰۶؛ و... می‌باشد. لازم به ذکر است که برخی از این منابع، به صورت کامل در نرم‌افزارهای سندشناسی مورد تحلیل قرار نگرفته‌اند. و به دلیل محدودیت در رسالت اصلی مقاله، نویسنده به تحلیل جزئی‌تر آن اسناد نپرداخته است. با این حال، با بهره‌گیری از روش‌های دقیق‌تر سندشناسی متأخرین، امکان شناسایی و تأیید احادیث بیشتری به عنوان صحیح وجود دارد. علاوه بر این، تحلیل اسناد با استفاده از روش‌های قدماء و قرینه‌محور نیز می‌تواند تعداد احادیث معتبر را به طور قابل توجهی افزایش دهد. این رویکردها، بستر مناسبی برای ارتقای دقت در تحلیل‌های محتوایی و مضمونی و گسترش دانش حدیث‌شناسی فراهم می‌آورند.

## بررسی آماری روایات معرفت به حق امام

بررسی آماری روایات مرتبط با معرفت به حق امام و توزیع این روایات بر اساس اسامی ائمه علیهم السلام و منابع حدیثی مختلف، نشان می‌دهد که این اندیشه به صورت مستمر از سوی ائمه علیهم السلام بیان و توسط محدثان در کتب مختلف در طول تاریخ شیعه بازتاب یافته است. توزیع روایات معرفت حق امام بر اساس نام اهل بیت علیهم السلام

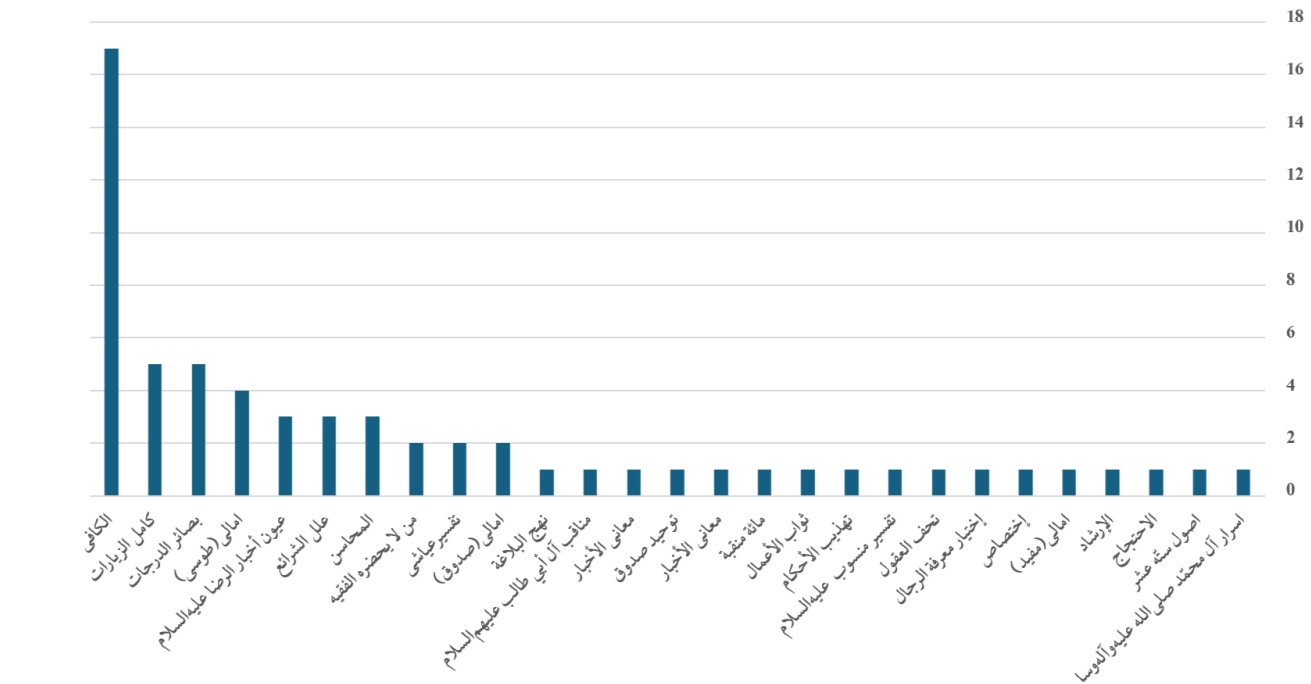


بررسی این داده‌ها نشان می‌دهد که این موضوع از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا دوران امام حسن عسگری علیه السلام مورد تأکید اهل بیت علیهم السلام بوده و در طول تاریخ شیعه به صورت مستمر تبیین شده است. با این حال، بیشترین تعداد روایات در این زمینه از امام صادق علیه السلام نقل شده است، که بیانگر نقش برجسته ایشان در تثبیت و گسترش معارف امامت است. دوره امامت امام صادق علیه السلام مصادف با فضای نسبتاً باز علمی و فرهنگی بود که امکان گسترش مباحث اعتقادی و فقهی را فراهم ساخت. همچنین، توسعه حوزه‌های علمی در این دوره، فرصتی را برای شاگردان و اصحاب امام ایجاد کرد تا معارف اهل بیت علیهم السلام را به صورت گسترده‌تر روایت کنند.

پس از امام صادق علیه السلام، امام باقر علیه السلام بیشترین سهم را در نقل روایات معرفت امام دارند. این مسئله نشان‌دهنده آغاز نهضت علمی اهل بیت علیهم السلام در دوران ایشان و تلاش‌های مستمر ایشان برای تبیین جایگاه امام در جامعه اسلامی است. در عین حال، تعداد روایات منقول از سایر ائمه علیهم السلام، به طور محسوسی کمتر است. این تفاوت می‌تواند ناشی از شرایط سیاسی و اجتماعی دوران امامت هر یک از آنان یا بیان دیگر ویژگی‌های معرفت به حق امام باشد که هدف پژوهش در این مقاله قرار نگرفته است.

توزیع فراوانی منابع، در نقل احادیث معرفت به حق امام

## توزیع فراوانی منابع



بررسی این داده‌ها نشان می‌دهد که کتاب الکافی بیشترین تعداد روایات را در این موضوع به خود اختصاص داده است، که بیانگر اهمیت این منبع در حفظ و انتقال معارف اهل بیت علیهم السلام است. این مسئله نشان می‌دهد که شیخ کلینی در جمع‌آوری و تدوین احادیث مرتبط با معرفت به حق امام، نقش بسزایی ایفا کرده است و کتاب او یکی از اصلی‌ترین مراجع برای درک جایگاه امام در اندیشه امامیه محسوب می‌شود.

پس از کلینی، ۱۴۰۷ق، منابع دیگری همچون کامل الزیارات، صفار، ۱۴۰۴ق، امالی شیخ طوسی، برقی، ۱۳۷۱ق، کمال‌الدین و تمام النعمة، عیون اخبار الرضا علیهم السلام، و امالی شیخ صدوق نیز تعداد قابل توجهی از این روایات را نقل کرده‌اند. این منابع که عمدتاً توسط شیخ صدوق و دیگر علمای بزرگ شیعه تدوین شده‌اند، بر مسئله امامت تأکید ویژه‌ای داشته‌اند. این تحلیل نشان می‌دهد که محدثان، مفسران و مورخان امامیه، به صورت مستمر در راستای حفظ و نشر این معارف کوشیده‌اند. وجود روایات متعدد در منابع گوناگون، نشانگر آن است که بحث معرفت به حق امام، همواره یکی از موضوعات بنیادین در منابع روایی امامیه بوده است و نویسندگان حدیثی تلاش کرده‌اند تا این آموزه را از نسل‌های پیشین به نسل‌های بعد منتقل کنند.

## تحلیل احادیث معرفت به حق امام

تحلیل این دست از احادیث نشان از وجود پنج محور اساسی ضرورت، ویژگی‌ها، فواید شناخت و رعایت، پیامدهای شناختن و رویگردانی و اوصاف رعایت‌کنندگان حق امام، دارد.

### ضرورت معرفت به حق امام

در تراث امامیه، بر این نکته اساسی تأکید شده است که هیچ عملی بدون شناخت حق امام دارای ارزش واقعی نخواهد بود. افزون بر این، محبت به اهل بیت علیهم السلام، هر چند فضیلتی برجسته است، اما به تنهایی کافی نیست و باید با معرفت عمیق و شناخت دقیق همراه باشد. روایات بسیاری از ائمه معصومین بر اهمیت شناخت حق امام و رعایت آن تأکید کرده‌اند و این شناخت را نه تنها راهی به سوی هدایت

و قرب الهی، بلکه به عنوان واجبی اساسی در حیات مسلمانان معرفی می‌کنند. بدین ترتیب، معرفت به حق امام به عنوان رکن بنیادین برای حفظ اصول دین و تقویت ارتباط با اهل بیت علیهم‌السلام در زندگی روزمره تلقی می‌شود.

یکی از دلایل کلیدی برای ضرورت معرفت و رعایت حق امام، آن است که این حق، بزرگ‌ترین واجب الهی محسوب می‌شود که خداوند برای جامعه بشری مقرر کرده است. در روایت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام، حق والی بر رعیت و رعیت بر والی به عنوان بنیادی‌ترین حقوق الهی مورد تأکید قرار گرفته است. این موضوع جایگاه بی‌بدیل معرفت امام را در نظام اعتقادی و عملی اسلام نشان می‌دهد. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۸: ۳۵۳)

این ضرورت معرفت به امام به‌ویژه در شرایطی که انسان در زندگی دنیوی با چالش‌ها و آزمایش‌های مختلف روبرو می‌شود، اهمیت پیدا می‌کند. در چنین شرایطی، ایمان و اعتقاد فرد ممکن است دستخوش تردید یا تغییر شود. یکی از راهکارهای مؤثر برای تقویت ایمان در این دوران، دعا و نیایش است. امام صادق علیه‌السلام به احمد بن محمد یک دعا و ذکر شبانه قبل از خواب توصیه نمودند که در آن فرد نفس خود را به خدا می‌سپارد و از خداوند درخواست می‌کند که اگر روح به بدنش برگردانده شود، با ایمان و معرفت به حق اولیای الهی باشد. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۵۳۶) امام علیه‌السلام تأکید می‌فرمایند که انسان باید در هر لحظه، حتی در زمانی که در حال استراحت و خواب است، پیوسته به یاد خدا و حق اهل بیت علیهم‌السلام باشد.

همین‌طور باید دانست که معرفت به حق امام یکی از عواملی است که سبب گسترش محبت میان امام و مؤمنان می‌شود. انجام اینگونه اعمال هم‌راستا با خواست و اراده امامان معصوم علیهم‌السلام است و به‌نوعی اطاعت از دستورات آن‌ها به شمار می‌آید. در همین راستا راوی به امام باقر علیه‌السلام عرض می‌کند که او می‌نشیند و فضائل و حق اهل بیت علیهم‌السلام را بیان می‌کند. امام باقر علیه‌السلام به این عمل وی ابراز رضایت کرده و می‌فرمایند که دوست داشتند در هر سی ذرع (حدود ۱۵ متر) کسی مانند او باشد که فضائل و حق اهل بیت علیهم‌السلام را روایت کند. (کشی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۱۴-۲۱۵)

همچنین در چهار روایت با کمی تفاوت در الفاظ که تمامی اسناد آن از «یونس بن یعقوب» از «عبدالأعلی» به امام صادق علیه‌السلام می‌رسد. بر اهمیت شناخت حق اهل بیت علیهم‌السلام و مقام والای آنان تأکید شده است. در هر یک از این احادیث، به این نکته اشاره شده است که هیچ پیامبری به مقام نبوت نرسیده است مگر با معرفت به حق اهل بیت علیهم‌السلام و برتری آنها بر دیگران. (صفر، ۱۴۰۴ق، ۱: ص ۷۴-۷۵؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۴۳۷) این تأکید نشان‌دهنده نقش کلیدی اهل بیت علیهم‌السلام در مسیر هدایت بشر و تکمیل دین است.

همین‌طور بعد نجات بخش معرفت به اهل بیت علیهم‌السلام در سخنان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم متجلی می‌شود، جایی که ایشان محبت به اهل بیت علیهم‌السلام و شناخت حق آنان را بیان نموده‌اند. در بیانی از امام حسین علیه‌السلام، نقل شده است که پیامبر فرمودند: هر کس با محبت به اهل بیت علیهم‌السلام خدا را در روز قیامت ملاقات کند، به واسطه شفاعت آنان وارد بهشت خواهد شد. در ادامه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یادآور می‌شود که تنها محبت کافی نیست و هیچ عملی، بدون شناخت حق اهل بیت سودمند نخواهد بود. (برقی، ۱۳۷۱ق، ۱: ۶۱) بنابراین شناخت حق امام، کلید پذیرش اعمال و معیار اصلی برای دریافت شفاعت و نجات در آخرت است.

از جمله بیانات مهم امام حسین علیه‌السلام درباره ضرورت معرفت به حق امام، خطبه‌ای است که ایشان یک سال پیش از مرگ معاویه در حج ایراد فرمودند. ایشان در سفر حج، خطبه‌ای را برای بنی‌هاشم و برخی از انصار بیان فرمودند و در طی آن هشدار دادند که اگر حق امام به‌درستی شناخته و حفظ نشود، ممکن است به مرور زمان از بین برود. بر همین اساس امر نمودند که هر فردی، هر مقدار که از حق امام آگاه است به دیگران بیاموزد. (سلیم بن قیس، ۱۴۰۵ق، ۲: ۷۸۸) این سخن از امام نشان‌دهنده ضرورت توجه مداوم به جایگاه امام و حفظ ارتباط جامعه با امام است، چرا که از بین رفتن این حق به معنای تضعیف هدایت الهی است.

در نهایت، بزرگ‌ترین شیوه شکرگزاری در آموزه‌های دینی، اعتراف به حقوق اهل بیت علیهم‌السلام است. شکر، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اعمال بندگی، موجب ارتباط عمیق انسان با پروردگار می‌شود و در نتیجه به تقویت ایمان و رشد معنوی فرد کمک می‌کند. در واقع، پس از ایمان به خداوند، اعتراف به حقوق اهل بیت علیهم‌السلام بزرگ‌ترین نوع شکرگزاری است. همان‌طور که امام جواد علیه‌السلام فرموده‌اند: بدانید که شما شکر نمی‌کنید خدای متعال را با چیزی محبوب‌تر از ایمان به خدا و اعتراف به حقوق اهل بیت علیهم‌السلام. (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ۲: ۱۶۹)

### اوصاف معرفت به حق امام

معرفت به حق امام جایگاهی محوری در هدایت و تربیت دینی دارد. امامان معصوم به‌عنوان رهبران الهی، هم بر اساس ولایت و هم به‌واسطه منزلت الهی، حقوقی بر پیروان خود دارند که رعایت آن‌ها دارای فواید گوناگونی است. در ذیل ویژگی‌هایی که از سوی اهل بیت اشاره شده را مطرح می‌نماییم.

از جمله اوصافی که در روایات در مورد معرفت به حق امام اشاره شده است قلبی بودن این معرفت است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خطاب به امام علی علیه‌السلام بر اهمیت محبت و حمایت از مستضعفین و مساکین تأکید نموده و آنان را به عنوان پیروان راستین امام معرفی می‌کند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید که تو به برادری با آنها راضی هستی و آنها به امام بودن تو راضی هستند. نکته اساسی این بخش است که «وَأَلْزَمَ قُلُوبَهُمْ مَعْرِفَةَ حَقِّنَا» خداوند به قلب‌های این افراد شناخت حق اهل بیت علیهم‌السلام را بخشیده است؛ (ابن بابویه، ۱۳۷۶ق، ۵۶۱)

ویژگی دو طرفه بودن حق از آموزه‌های کلیدی اهل بیت علیهم‌السلام است که در کلام امام علی علیه‌السلام در خطبه‌ای بیان شده است. ایشان می‌فرمایند: که خداوند برای من بر شما حقی قرار داده است به خاطر ولایت من، و شما نیز حقی بر من دارید. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۸: ۳۵۳) از این رو حق در اندیشه اهل بیت علیهم‌السلام به عدالت متقابل گره خورده است. یعنی هر کسی حقی دارد بر دیگران، در مقابل، حقوقی نیز برگردن خود می‌بیند. این یک سویه نبودن حق و رعایت توازن نیز در کلام امام رضا علیه‌السلام تأکید شده است. (ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، ۴۴۶-۴۴۷) ایشان بیان می‌کنند در صورتی که مردم وظایف خود را نسبت به امامان به جای آورند و حقوق ایشان را رعایت نمایند امامان نیز موظف به ادای حقوق آنان خواهند بود. (مفید، ۱۴۱۳ج، ۲: ۲۶۲)

باید توجه داشت که تنها خداوند متعال دارای حق مطلق و خالص بر تمامی مخلوقات است و هیچ‌کس دیگری حقی بر او ندارد. این امر بدین سبب است که خداوند هم از قدرت بی‌نهایت برخوردار است و هم عدالت او در همه امور جاری است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۸: ۳۵۳)

در این زمینه، امیرمؤمنان علیه‌السلام حق امام بر مردم را به سبب دو عنصر اساسی ولایت و منزلت اعطایی از سوی خداوند دانسته است. ایشان تأکید نموده‌اند که خداوند متعال حق ولایت و سرپرستی اداره امور مردم را به امام عطا نموده است. علاوه بر ولایت در ادامه روایت به منزلت و مقام الهی امام اشاره شده است که نشان از آن دارد که مقام ولایت بر اساس انتخاب و نصب الهی شکل گرفته است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۸: ۳۵۳)

از دیگر ویژگی‌های حق امام در حدیثی از امام کاظم علیه‌السلام در پاسخ به سؤال فضال درباره عدم استرداد فدک توسط امیرالمؤمنین علیه‌السلام اشاره شده است که اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان خاندانی که حقوقشان را تنها از سوی خدا دریافت می‌کنند، به دنبال احقاق حقوق خود از ظالمین نیستند. «لَا نَأْخُذُ حُقُوقَنَا مِمَّنْ ظَلَمَنَا» ایشان تصریح می‌کنند که به عنوان «اولیاء مؤمنین»، وظیفه دارند به نفع مؤمنان حکم کنند و حقوق آن‌ها را از ستمگران بستانند، نه برای خود. (ابن بابویه، ۱۳۸۵ش، ۱: ص ۱۵۵) در پاسخ مشابهی، امام صادق علیه‌السلام نیز به سیره نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در



زمان فتح مکه اشاره کرده و تأکید نمودند که ما اهل بیتیم که چیزی را که از ما ظلم شده است، نمی‌خواهیم پس بگیریم. (ابن بابویه، ۱۳۸۵ ش، ۱: ۱۵۵)

### کارکردشناسی رعایت حق امام

شناخت و رعایت حق امام، پیوندی عمیق میان انسان و هدایت الهی برقرار می‌سازد و مسیر سعادت و کمال را روشن می‌کند. این ارتباط، علاوه بر تقویت باورهای دینی، موجب رشد معنوی و بهره‌مندی از برکات دنیوی و اخروی می‌شود.

#### ۱. پاداش اخروی و نجات از عذاب

از جمله پاداش‌های اخروی برای شناخت معرفت به حق امام، ورود به بهشت از هر درب است. در حدیثی امام صادق علیه السلام می‌فرماید که اگر زن پنج نمازش را بخواند و یک ماه روزه را بگیرد (ماه رمضان) و از شوهرش اطاعت کند و حق امیرالمؤمنین علیه السلام را بشناسد، از هر درب بهشت که می‌خواهد وارد بهشت شود. (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۵: ۵۵۵)

برخی از پاداش‌های اخروی عظیم که در زیارات ائمه علیهم السلام بیان شده؛ مشروط به داشتن حق معرفت به امام شده است. برای نمونه زیارت امیرالمؤمنین علی علیه السلام به همراه معرفت به حق امام پاداش بزرگی دارد؛ از جمله ثواب صد هزار شهید، بخشش گناهان گذشته و آینده، امنیت در قیامت، استقبال، بدرقه و همراهی تا قبر و استغفار از سوی فرشتگان. (طوسی، ۱۴۱۴ ق، ۲۱۴) این زیارت معادل یک حج مقبول و یک عمره نیکو است و زائر را از عذاب جهنم می‌رهاند. (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ۶: ۲۱)

در امتداد این اهمیت معنوی، زیارت امام حسین علیه السلام نیز دارای پاداش‌های بسیاری است. از جمله این پاداش‌ها، هم‌صحبتی با خداوند در عرش، (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ۱۴۱) مشایعت فرشتگان، عیادت صبح و شب، و استغفار تا قیامت است. (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۴: ۵۸۱) این زیارت به اندازه آزاد کردن هزار بنده و فرستادن هزار مجاهد ارزش دارد (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۴: ۵۸۱). و معادل انجام بیست حج و عمره مقبول یا بیست جهاد همراه پیامبر مرسل یا امام عادل محسوب (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ۱۸۳). و ثواب صد حج بارسول‌الله صلی الله علیه و آله برای او نوشته می‌شود. (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ۱۶۲) همچنین، برای هر قدم زائر، ثواب صد حج و عمره مقبول و همراهی در صد جنگ با پیامبر در نظر گرفته شده است. زیارت امام حسین مانند زیارت خداوند در عرش تلقی می‌شود. (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ۱۷۲) در همین راستا نیز زیارت امام رضا علیه السلام از ارزش بالایی برخوردار است. خداوند بهشت را برای زائر ایشان تضمین کرده (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ۲: ۲۵۶). و در قیامت از شفاعت ایشان بهره‌مند می‌شود. (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ۲: ۲۵۸)

از دیگر پاداش‌های اخروی معرفت به حق امام در این است که اگر کسی با این معرفت از دنیا برود، شهید محسوب می‌شود. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: کسی که در رختخوابش بمیرد در حالی که حق پروردگارش و حق رسولش و اهل بیت پیامبر علیهم السلام را بشناسد، شهید مرده است. (سیدرضی، ۱۴۱۴ ق، ۲۸۳، خطبه ۱۹۰)

افزون بر تأثیر مستقیم معرفت به حق امام بر ثواب اخروی زیارت و تضمین مرگی همچون شهادت در رختخواب برای صاحب معرفت، نقشی اساسی در حفظ انسان از گمراهی و عذاب الهی ایفا می‌کند. در همین راستا امام صادق علیه السلام در مورد معرفت به حق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام فرموده‌اند: کسی که اقرار به معرفت پیامبر صلی الله علیه و آله و اقرار به حق ما کند وارد آتش نمی‌شود. (جلیلی، غلامعلی، و محمودی، ۱۴۲۳ ق، ۱: ۲۴۱) به عبارت دیگر، پذیرش حق امامان نه تنها ایمان فرد را کامل می‌کند، بلکه به عنوان حفاظی عمل می‌کند که او را از آتش جهنم دور نگه می‌دارد.

در نهایت، پاداش‌ها و آثار اخروی معرفت به حق امام در خصوص مرگ در روز و شب جمعه نیز مورد تأکید قرار گرفته است. در روایات آمده است کسی که روز جمعه از دنیا برود در حالی که عارف به حق اهل بیت علیهم السلام باشد، خداوند برای او برائت از آتش جهنم و عذاب می‌نویسد. و کسی که شب جمعه بمیرد از آتش جهنم آزاد می‌شود. (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۳: ۴۱۵) در حدیث دیگری این حقیقت را تکرار

کرده‌اند و افزوده‌اند که مرگ در شب جمعه با معرفت به حقّ اهل بیت علیهم‌السلام، موجب آزادی از آتش و عذاب قبر می‌شود. (مفید، ۱۴۱۳، ۱۳۰)

## ۲. معنویت‌افزایی و برکت‌زایی در اعمال

معرفت به حقّ امام، افزون بر پاداش اخروی و نجات از عذاب، سبب افزایش حسنات و ارتقای مقام معنوی انسان‌ها می‌شود. امام صادق علیه‌السلام در تفسیر آیه ۱۶۲ سوره آل عمران به‌وضوح آثار این شناخت و پیروی از حقّ امامان را بیان کرده‌اند. ایشان می‌فرمایند که محبت به اهل بیت علیهم‌السلام و معرفت به حقّ امامان موجب افزایش حسنات مؤمنان و ارتقای درجات معنوی آنان نزد خداوند می‌شود. (عیاشی، ۱۳۸۰، ۱: ۲۰۵)

یکی از آثار مهم معرفت به حقّ امام، حسنه بودن این معرفت است. حسنه به معنای عمل نیک، آثاری در دنیا و آخرت دارد و به پاداش منتهی می‌شود. در تفسیر آیه «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا» (الانعام: ۱۶۰) از سوی امام باقر علیه‌السلام تاکید شده است که حسنه محبت اهل بیت علیهم‌السلام و شناخت حقّ آنان است. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ۴: ۲۸۴)

در این راستا، باید دانست که این نوع از معرفت نقش بسزایی در قبولی حج دارد. حج از برترین عبادات است که انسان را به پاکی و قرب الهی می‌رساند. با این حال، این فضیلت بزرگ تنها شامل کسانی می‌شود که عارف به حقّ اهل بیت علیهم‌السلام باشند. امام باقر علیه‌السلام در گفتگو با قتاده، فقیه بصره، به بررسی معنای آیه‌ای از قرآن می‌پردازند و در نهایت او را از تفسیر نادرست قرآن برحذر می‌دارند. امام در مورد آیه ۱۸ سوره سبأ تاکید نمودند، کسی که به سوی کعبه می‌رود و از زاد و توشه حلال استفاده می‌کند و عارف به حقّ ما باشد و در دل، محبت ما را داشته باشد. حج او پذیرفته است و گرنه خیر. (الکافی، ۸: ۳۱۱)

در نهایت، اخلاص در عبادات و شناخت مقام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان نمایندگان الهی، نقش مهمی در پذیرش دعا دارد. امام هادی علیه‌السلام به ابوموسی فرمودند که اگر در دعا کردن اخلاص داشته باشی و به نبوت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حقوق اهل بیت علیهم‌السلام اعتراف کنی، خداوند هیچ‌گاه ناامیدت نخواهد کرد. (طوسی، ۱۴۱۴، ۲۸۵) بنابراین، دعا با این شرایط، تضمینی برای دریافت رحمت و فضل الهی است.

## ۳. آرامش، امنیت و سلامت در دنیا و آخرت

معرفت به حقّ امام، افزون بر پاداش اخروی، نجات از عذاب، معنویت‌افزایی و برکت‌زایی در اعمال، موجب بهبود وضعیت دنیوی و اخروی انسان می‌گردد. در این راستا پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پس از بیان آفرینش آدم و ارتباط او با خداوند و اهل بیت علیهم‌السلام و مقام والای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیر مؤمنان علیه‌السلام که بر عرش نام مبارک آن‌ها نوشته شده بود؛ اشاره دارد که کسی که حقّ امام علی علیه‌السلام را بشناسد، پاک و تزکیه خواهد شد. (ابن شاذان، ۱۴۰۷، ۸۳)

یکی دیگر از آثار، تأثیر آن بر عبادات و رابطه انسان با خداوند است. فضیلت حج و عمره از برترین عبادات در اسلام تنها شامل کسانی می‌شود که از کبر به دور باشند. امام صادق علیه‌السلام روشن می‌سازد آن کبر که مانع از بهره‌مندی از این فضل الهی می‌شود در اینجا به معنای نادیده گرفتن حقّ (امامان) و طعنه زدن به اهل حقّ است. (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ۲: ۲۰۵) همین‌طور کسی که حقّ کعبه و اهل بیت علیهم‌السلام را بشناسد، گناهانش بخشیده خواهد شد. (برقی، ۱۳۷۱، ۱: ۶۹) و نگاه به کعبه با همین ویژگی‌ها سبب بخشش گناهان دانسته شده است. (کلینی، ۱۴۰۷، ۴: ۲۴۱)

آثار معرفت به حقّ امام تنها محدود به مسائل فردی و شخصی نیست، بلکه می‌تواند نگرانی‌های فرد را در دنیا و آخرت رفع کند. بر اساس روایت کسی که به کعبه برود و حقّ اهل بیت علیهم‌السلام را همانند حقّ کعبه بشناسد، گناهانش بخشیده و خداوند تمام نگرانی‌های دنیا و آخرت او را رفع می‌کند. (برقی، ۱۳۷۱، ۱: ۶۹، ح ۱۳۷) در حدیث دیگری نگاه به کعبه با همین ویژگی‌ها سبب رفع نگرانی‌های دنیا و آخرت است. (کلینی، ۱۴۰۷، ۴: ۲۴۱)

اجابت دعا پیش از درخواست از دیگر آثار این نوع از معرفت است. در رابطه‌ی انسان با خداوند، اجابت دعا و اعطای نیازها پیش از درخواست، نشان‌دهنده‌ی محبت و توجه ویژه الهی است. معرفت به امام و حق امام به مؤمن این اطمینان را می‌دهد که در دعاها و درخواست‌هایش مورد توجه خداوند قرار خواهد گرفت. (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ۵۴)

همچنین درمان بیماری‌ها یکی از نیازهای اساسی انسان‌هاست که همواره در طول تاریخ مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا، معرفت به حق امام و حرمت و ولایت آن‌ها به عنوان شرطی اساسی در فرآیند شفا و درمان از تربت امام حسین علیه السلام مطرح شده است. که اگر مؤمن به اندازه‌ی یک سرانگشت از تربت را بردارد برای او دوا خواهد بود. (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ۲۷۸) و یا اگر از خاک یک میل (حدود ۱۷۰۰ متر) مانده از قبر امام حسین علیه السلام بردارد برای او دوا و شفا است. (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ۲۷۹)

#### ۴. رشد روحانی و هدایت الهی در شرایط سخت

معرفت امام و حق او نقشی اساسی در رشد روحانی و هدایت انسان‌ها در شرایط سخت ایفا می‌کند. این معرفت، به‌عنوان واسطه‌ای الهی، فرد را به صبر و بصیرت در مواجهه با مشکلات و نامالیمات سوق می‌دهد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «جَعَلْتُ لَهُ عِنْدَ الْجَهْلِ حِلْمًا». (ابن بابویه، ۱۳۷۶ق، ۶۶۶) حلم به معنای توانایی کنترل خود در برابر نادانی و تحریکات است و موجب تقویت شخصیت اخلاقی می‌شود. همچنین، معرفت به حق امام نوری است که در دوران ظلم و تاریکی، راهنمای انسان به سوی عدالت و حق است: «وَعِنْدَ الظُّلْمِ نُورًا». (همان.)

#### ۵. تقویت ایمان و تقرب الهی

این معرفت انسان را به مرتبه‌ای از پیوند معنوی با اهل بیت علیهم السلام می‌رساند که در آن، ارتباط میان فرد و ارزش‌های الهی مستحکم می‌گردد. از منظر تعالیم اهل بیت علیهم السلام، شناخت حق امام و نصرت ایشان، نه تنها وظیفه‌ای دینی، بلکه راهی برای نیل به کمال انسانی است. «مَنْ عَرَفَ حَقًّا وَ نَصَرَ نَا فَهُوَ مِنَّا وَ إِلَيْنَا». (صفار، ۱۴۰۴ق، ۶۳) این حدیث نشان می‌دهد که معرفت به حق امام، زیربنای پیوندی عمیق و ناگسستنی با تعالی روحی و الهی دارد و به تقویت ارتباط انسان با ارزش‌های بنیادین ایمان می‌انجامد.

این پیوند معنوی، زمینه را برای تعمیق محبت به اهل بیت علیهم السلام و درک جایگاه آنان به‌عنوان واسطه‌های تقرب به خداوند، فراهم می‌کند. تحلیل آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام نشان می‌دهد که محبت به آنان، تجلی محبت به خداوند است. «مَنْ عَرَفَ حَقًّا وَ أَحَبَّنَا فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۸: ۱۲۸) این آموزه تأکید دارد که معرفت به حق امام، علاوه بر پرورش محبت به اهل بیت علیهم السلام، مسیر تقرب به خداوند را تسهیل کرده و تعالی روحی فرد را تضمین می‌کند.

از دیگر نتایج این معرفت، تأثیر عمیق بر تجربه معنوی انسان است. ارتباط میان معرفت به حق امام و لذت ایمان، نشانگر تحول روحی و درک زیبایی‌های اسلام است. این آموزه: «... فَمَنْ عَرَفَ مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ وَ أَحَبَّ حَقَّ إِمَامِهِ وَ جَدَّ طَعْمَ حَلَاوَةِ إِيْمَانِهِ وَ عَلِمَ فَضْلَ طَلَاوَةِ إِسْلَامِهِ»، (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۲۰۳) به‌وضوح نشان می‌دهد که معرفت به حق امام می‌تواند ایمان را از سطحی بودن به عمق معنوی ارتقا دهد و لذت ایمان را درک‌پذیرتر سازد. این معرفت، ایمان فرد را از حالت سطحی به عمق معنوی هدایت کرده و درکی عمیق‌تر از زیبایی‌های دین اسلام به او می‌بخشد.

معرفت به این جایگاه امام، نه تنها در سطح محبت و ارتباط انسانی و تأثیر عمیق بر تجربه معنوی انسان بلکه در درک صحیح از توحید و صفات الهی نیز نقش اساسی دارد. امیرالمؤمنین علیه السلام در آموزه‌های خود به این موضوع پرداخته و خویش را به‌عنوان ریسمان استوار الهی و دستگیره محکم معرفی کرده‌اند: «مَنْ عَرَفَنِي وَ عَرَفَ حَقِّي فَقَدْ عَرَفَ رَبِّي» (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ۱۸؛ ابن بابویه، ۱۳۹۸ق، ۱۶۴).

این مفهوم بر پیوند بنیادین میان معرفت به حق امام و درک توحید الهی تأکید دارد و بیان می‌کند که هر گونه کوتاهی در این زمینه، باعث ضعف در بنیان‌های ایمانی و کاهش معرفت الهی می‌شود.

## ۶. انسجام اجتماعی و حفظ وحدت دینی

رعایت حق امام، علاوه بر ایجاد ارتباط میان مردم و امام، بنیان‌های اجتماعی و اعتقادی جامعه را مستحکم می‌سازد. امیرالمومنین علیه السلام در خطبه خویش بیان فرموده‌اند که خداوند حق امام را به‌عنوان ابزاری برای ایجاد الفت و انسجام در جامعه اسلامی قرار داده است. این امر به‌روشنی نقش محوری امام را در تقویت وحدت اجتماعی نشان می‌دهد. عبارت «نِظَامُ الْاَلْتِهَمِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۸: ۳۵۳) نشان‌دهنده این است که رعایت حقوق امام، نه تنها رابطه میان مردم و امام را استحکام می‌بخشد، بلکه زمینه‌ساز عدالت و هماهنگی اجتماعی می‌شود.

ادامه خطبه به تأثیر رعایت حق امام بر اعتلای دین و استحکام سنت‌های الهی اشاره دارد: «وَ عِزًّا لِدِينِهِمْ وَ قِوَامًا لِسُنَنِ الْحَقِّ». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۸: ۳۵۳)

همین‌طور پیام این خطبه به آثار گسترده رعایت حقوق امام و مردم بر جامعه اسلامی تأکید دارد. رعایت این حقوق به استقرار عدالت و تقویت نشانه‌های اجتماعی دین کمک می‌کند. این تعامل، پایه‌گذار محیطی برای پیشرفت اقتصادی، کاهش تهدید دشمنان، و ایجاد دولتی پایدار و زندگی‌ای دلپذیرتر است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۸: ۳۵۳) چنین جامعه‌ای، از اثرات رعایت حقوق متقابل امام و مردم بهره‌مند می‌شود و به سوی اصلاح زمانه و پایداری اجتماعی و اقتصادی حرکت می‌کند.

در این راستا تأثیر رعایت حق امام بر زندگی فردی و اجتماعی در سخنان امام حسن مجتبی علیه السلام برجسته شده است. ایشان می‌فرمایند: «وَ فَرَضَ عَلَيْنَا حُقُوقًا، وَ اَمَرَكَ بِاَدَائِهَا اِلَيْهِمْ، لِيَحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ مِنْ اَزْوَاجِكُمْ وَ اَمْوَالِكُمْ وَ مَشَارِكُمْ، وَ يُعَرِّفَكُمْ بِذَلِكَ الْبَرَكَةَ وَ النَّمَاءَ وَ الثَّرْوَةَ». (طوسی، ۱۴۱۴ق، ۶۵۵). این فراز به وضوح نشان می‌دهد که رعایت حق امام رابطه‌ای مستقیم با برکت مادی و معنوی دارد. حلالیت امور دنیوی، افزایش نعمت‌ها، و تقویت توسعه اجتماعی و اقتصادی از اثرات این رعایت است. چنین الگویی، نقشی بنیادین در ساختار جامعه اسلامی ایفا می‌کند و هدایت جامعه به سوی رشد، عدالت و تعالی را تضمین می‌نماید.

## پیامدهای نشناختن و رویگردانی از حق امام

بسیاری از روایات به آثار عمیق نادیده‌گرفتن حق امام در زندگی دنیوی و اخروی اشاره دارند و آن را عامل دوری از رحمت الهی می‌دانند.

### ۱. عواقب آخرتی

انکار یا رویگردانی از این حق، پیامدهایی سنگین و جبران‌ناپذیر برای انسان در حیات ابدی به همراه دارد. احادیث اهل بیت علیهم السلام و آیات قرآن کریم، بر این عواقب تأکید دارند و جایگاه این شناخت را در منظومه هدایت الهی روشن می‌سازند.

یکی از پیامدهای انکار حق امام، دوری همیشگی از رحمت الهی و گرفتار شدن در لعنت اوست. در حدیثی از امام کاظم علیه السلام، این حقیقت به‌وضوح نمایان است. ایشان انکار و تکذیب امام را دلیلی بر رانده شدن انسان از رحمت الهی می‌دانند، تا جایی که خداوند، بندگانی را که چنین رویه‌ای در پیش می‌گیرند، در هر نمازی که می‌خوانند لعن می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ يَلْعَنُهُمْ فِي كُلِّ صَلَاةٍ يُصَلُّونَهَا، لِانْتِكَارِ حَقَّنَا وَ تَكْذِيبِهِمْ إِيَّانَا». (ابن بابویه، ۱۳۸۵ق، ۲: ۶۰۲)

از دیگر عواقب انکار، جاودانه ماندن در عذاب الهی است. در آیات ۱۶۷ و ۱۶۸ سوره نساء، خداوند کسانی را که کفر ورزیده و ظلم کرده‌اند، از مغفرت و هدایت الهی محروم می‌داند و آنان را به عذاب جاودان جهنم وعده می‌دهد. امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه، ظلم را معادل انکار یا غصب حق اهل بیت علیهم السلام معرفی می‌کنند. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۴۲۳) از این منظر، انکار حق امام، معادل رویگردانی از هدایت الهی است.

موضوع هلاکت، در ارتباط با مقصران در حق امام، نیز در زیارت جامعه کبیره مورد تأکید قرار گرفته است. در این زیارت، مقصر به کسی اشاره دارد که یا حق امام را به درستی نمی‌شناسد یا با وجود شناخت، در ادای وظایف خود کوتاهی می‌کند. عبارت «وَالْمُقَصِّرُ فِي حَقِّكُمْ زَاهِقٌ»، (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۲: ۶۱۲) به معنای نابودی مقصران، حکایت از عواقب ناگوار کوتاهی در حق امام دارد. این واژه، نابودی در ابعاد مادی و معنوی را توصیف می‌کند و نشان می‌دهد که کوتاهی در حق امام، مساوی با خروج از مسیر رحمت الهی است.

در نهایت، انکار حق امام علی علیه السلام، در متون اسلامی به طور خاص مورد تأکید قرار گرفته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این انکار را موجب لعنت و خسران معرفی می‌کنند: «مَنْ أَنْكَرَ حَقَّهُ لَعِنَ وَ خَابَ». (ابن شاذان، ۱۴۰۷ق، ۸۳)

## ۲. عواقب دنیایی

انکار یا کوتاهی در شناخت حق امامان معصوم علیهم السلام، همان‌طور که در روایات امامیه آمده است، پیامدهایی جدی برای زندگی دنیوی افراد به همراه دارد که همواره با محرومیت و خشم الهی همراه است.

از مهم‌ترین عواقب دنیوی انکار حق امام، محرومیت از نعمت‌های الهی است. امام حسن علیه السلام، در خطبه‌ای که پس از بیماری امیرالمؤمنین علیه السلام ایراد کردند، بر جایگاه الهی اهل بیت علیهم السلام و اثرات کوتاهی در حق ایشان تأکید نمودند. ایشان با قسم به خداوند بیان کردند که هر کس از حق اهل بیت علیهم السلام بکاهد، خداوند نیز در دنیا و آخرت از او خواهد کاست: «وَ اِيْمُ اللّٰهِ لَا يَنْتَقِصُنَا اَحَدٌ مِنْ حَقَّنَا شَيْئًا اِلَّا تَنْقِصَهُ اللّٰهُ فِي عَاجِلِ دُنْيَاةٍ وَ اَجَلِ اٰخِرَتِهِ». (طوسی، ۱۴۱۴ق، ۸۲)

در کنار محرومیت، نزول خشم الهی نیز یکی از پیامدهای انکار ولایت و حق امامان است. در تفسیر آیه آل عمران ۱۶۲، امام صادق علیه السلام انکار ولایت امامان را به‌عنوان عامل نزول خشم الهی معرفی می‌کنند. (عیاشی، ۱۳۸۰ش، ۱: ۲۰۵)

## ۳. محرومیت از رحمت و برکات الهی

انکار یا جهل نسبت به حق امام، انسان را از برکات و فیض‌های الهی محروم ساخته و او را در مسیر گمراهی و خسران قرار می‌دهد. این محرومیت نه تنها در عدم بهره‌مندی از شفا و رحمت قرآن نمایان می‌شود، بلکه تأثیری مستقیم بر ارزش اعمال عبادی فرد نیز دارد. قرآن کریم، برای کسانی که در مسیر حق قرار دارند، شفا و رحمت است. آیه ۸۲ سوره اسراء بر این نکته تأکید می‌کند: «وَ نُنزِلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِيْنَ وَ لَا يَزِيْدُ الظَّالِمِيْنَ اِلَّا خُسَارًا». امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه، ظلم به حق اهل بیت علیهم السلام را مصداقی از «ظلم» معرفی نموده و بیان می‌دارند که نتیجه این ظلم، چیزی جز زیان برای ظالمان نخواهد بود: «وَ لَا يَزِيْدُ الظَّالِمِيْنَ اِلَّا خُسَارًا». (عیاشی، ۱۳۸۰ش، ۲: ۳۱۵)

## ۴. آسیب به ایمان و اعمال فردی

جهل به حق امام تأثیر مستقیمی بر ارزش اعمال عبادی دارد. طبق حدیث بیان شده از امام باقر علیه السلام، اگر کسی حتی به بهترین اعمال عبادی، از جمله نماز شب و روزه، مشغول باشد اما حق اهل بیت علیهم السلام را نشناسد و حرمت آن‌ها را رعایت نکند، خداوند هیچ عملی را از او نمی‌پذیرد. (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ۲۰۵) همین‌طور امام صادق علیه السلام می‌فرماید که حتی اگر فردی عمر خود را در عبادت‌های سخت و طولانی سپری کند، اما نسبت به حق امام جاهل باشد، اعمال او هیچ ارزش معنوی نخواهد داشت «جَاهِلًا لِحَقَّنَا لَمْ يَكُنْ لَهُ ثَوَابٌ». (برقی، ۱۳۷۱ق، ۱: ۹۰؛ ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ۲۰۴)

امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در احتجاجی طولانی با یک زندیق فرمودند: «فَمَنْ لَمْ يَهْتَدِ مِنْ اَهْلِ الْاِيْمَانِ اِلَى سَبِيْلِ النَّجَاةِ لَمْ يَغْنِ عَنْهُ اِيْمَانُهُ بِاللّٰهِ مَعَ دَفْعِهِ حَقَّ اَوْلِيَائِهِ وَ حَبِيْطَ عَمَلُهُ». (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ۱: ۲۴۷) ایمان به خداوند، بدون پذیرش حقوق امامان، ناقص و بی‌ثمر

است. این نکته نشان می‌دهد که حقوق امامان جزئی تفکیک‌ناپذیر از مسیر ایمان و نجات است. بدون این شناخت، اعمال عبادی نمی‌توانند به رستگاری واقعی منجر شوند.

امام باقر علیه السلام نیز در حدیث دیگری به جایگاه ویژه امامان و نقش آن‌ها در هدایت انسان‌ها اشاره نموده‌اند، که تقصیر در حق امام نه تنها انسان را از مسیر هدایت دور می‌کند، بلکه او را به گمراهی کامل می‌کشاند. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۹۸) این نکته در تفسیر امام باقر از آیه «وَمَنْ جَاءَ بِالسِّيئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا» (الانعام: ۱۶۰) نیز آمده است. ایشان بیان می‌کنند که سینه، بغض نسبت به اهل بیت علیهم السلام و کوتاهی در رعایت حق ایشان است. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ۲۸۴) این موضوع در ادامه در تفسیر امام از آیه ۳۲ سوره فاطر و مفهوم «ظالمٍ لِنَفْسِهِ» تکمیل می‌شود. ایشان این تعبیر را به فردی اطلاق می‌کنند که در خانه خود نشسته و حق امام را نمی‌شناسد. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۲۱۴). این مفهوم تأکید دارد که نادیده گرفتن حق امام، ظلم به خویشان است، چرا که انسان را از هدایت واقعی و رستگاری محروم می‌کند. در همین راستا، امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ۵۰ سوره بقره «الَّذِينَ ظَلَمُوا» را به وضوح به ظلم به حق آل محمد تفسیر می‌کنند. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۴۲۳) این تفسیر نشان می‌دهد که شناخت و رعایت حقوق امامان، شرط لازم برای دستیابی به هدایت الهی و رستگاری نهایی است.

#### ۵. کاهش ارتباط با اهل بیت علیهم السلام

یکی از اصول اساسی در نظام ولایت الهی، حق متقابل امام و امت است. امام رضا علیه السلام به ابوهاشم جعفری فرمودند هر کس حق ما را بشناسد، حق او واجب می‌شود و هر کس حق ما را نشناسد، حقی ندارد. (ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، ۴۴۶) این فرموده نشان می‌دهد که رعایت حقوق امام به معنای تقویت رابطه امت با رهبر است. بدون این شناخت، امت نه تنها از حق خود بر امام محروم می‌شود، بلکه این بی‌توجهی می‌تواند انسجام نظام ولایت الهی را نیز تضعیف کند.

این ارتباط متقابل میان شناخت و حقوق امام، از سوی امام حسن عسکری علیه السلام نیز تأکید شده است. ایشان به نکوهش افرادی می‌پردازند که با وجود حفظ پیوند با نزدیکان خود، از نزدیکان پیامبر صلی الله علیه و آله فاصله گرفته و حقوق اهل بیت علیهم السلام را انکار می‌کنند. (حسن بن علی علیه السلام)، ۱۴۰۹ق، ۲۰۸)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در تکمیل این بحث، بر ضرورت شناخت و رعایت حقوق اهل بیت علیهم السلام و تأثیر آن بر هویت اسلامی فرد تأکید می‌کنند. ایشان فرمودند که از ما نیست کسی که به کوچک ما رحم نکند و بزرگ ما را تکریم نکند و حق ما را نشناسد. (مفید، ۱۴۱۳ق، الف، ۱۸)

#### ۶. عواقب روحی و معنوی

رعایت نکردن حق امام، نه تنها تجاوز از حدود الهی است، بلکه موجب عواقب سنگین روحی و معنوی می‌شود. «فَجَار» در قرآن به کسانی گفته می‌شود که از حدود الهی تجاوز کرده و در گناه و فساد غوطه‌ور هستند. (الانفطار: ۱۴) این افراد در روز قیامت و حسابرسی ایمان ندارند و آیات خداوند را تکذیب می‌کنند. (المطففین، ۷) در نتیجه، سرنوشت آن‌ها جهنم است، چنان‌که خداوند می‌فرماید: «إِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ» (الانفطار: ۱۴) و اعمالشان در «سجین» ثبت می‌شود: «إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سِجِّينٍ».. (المطففین، ۷) امام موسی کاظم علیه السلام در پاسخ به پرسشی درباره آیه «كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سِجِّينٍ»، (المطففین، ۷) اشاره نمودند که منظور از «فَجَار» کسانی هستند که در حق ائمه علیهم السلام ظلم کرده و به آنها تعدی کرده‌اند. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۳۴۵)

در همین راستا امام صادق علیه السلام در سخنرانی خود به اهمیت و مقام والای امامان معصوم علیهم السلام اشاره نموده و در ضمن بیان اهمیت شناخت حق امام؛ تأکید نمودند که شقی و بدبخت، حق امام را نمی‌شناسد و حق او را انکار نمی‌کند مگر گمراه. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۲۰۳)

## نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان داد که معرفت به حق امام یکی از اصول اساسی در آموزه‌های دینی و از الزامات زندگی دینی مسلمانان است. بر اساس روایات معتبر، شناخت حق امام نه تنها زیربنای ایمان و پذیرش عبادات است، بلکه به تقویت پیوند میان انسان و خداوند و انسجام اجتماعی کمک می‌کند. این معرفت با ویژگی‌هایی همچون قلبی بودن، استیفاپذیر بودن حق امام تنها از سوی خداوند، و متقابل بودن حقوق امام و امت، نقشی کلیدی در هدایت بشر ایفا می‌کند.

یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که آثار معرفت به امام شامل تقویت ایمان، افزایش حسنات، آرامش درونی، رشد معنوی، و وحدت اجتماعی است. در مقابل، غفلت از این معرفت به پیامدهایی همچون محرومیت از رحمت الهی، آسیب به ایمان، و کاهش ارزش اعمال عبادی منجر می‌شود. این نتایج بر اساس تحلیل منابع حدیثی و تفسیری به دست آمده و بر اهمیت شناخت عمیق جایگاه امامان در هدایت الهی تأکید دارد.

با توجه به این مباحث، آموزش و ترویج معرفت به حق امام در میان نسل‌های آینده، یکی از مهم‌ترین وظایف جامعه اسلامی است. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده به بررسی کاربردهای عملی این معرفت در حل چالش‌های اجتماعی و تربیتی بپردازند و با تحلیل گسترده‌تر منابع، ابعاد جدیدی از این موضوع را روشن سازند.

## منابع

قرآن كريم

نهج البلاغه

- ابن شاذان، محمد بن احمد، مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين علي بن ابي طالب و الأئمة من ولده عليهم السلام من طريق العامة، ايران - قم: مدرسة الإمام المهدي (عليه السلام)، ١٤٠٧ق.
- ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاييس اللغة، ايران - قم: دار إحياء الكتب العربية | مكتب الإعلام الإسلامي. مركز النشر، ١٤٠٤. ابن بابويه، محمد بن علي، أمالي شيخ صدوق، ترجمه‌ی محمدباقر كمره‌ای، كتابچی، ١٣٧٦ق.
- ، التوحيد، هاشم حسینی طهرانی، قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامي، ١٣٩٨ق.
- ، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ايران - قم: دار الشريف الرضي للنشر، ١٤٠٦ق.
- ، علل الشرائع، قم: المكتبة الحيدرية | مكتبة الداوري، ١٣٨٥ق.
- ، عيون أخبار الرضا عليه السلام، مهدي لاجوردی، تهران: جهان، ١٣٧٨ق.
- ، معاني الأخبار، علي أكبر غفاری، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامي، ١٤٠٣ق.
- ، من لا يحضره الفقيه، علي أكبر غفاری و علي أكبر غفاری، قم - ايران: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤١٣ق.
- ابن شعبه، حسن بن علي، تحف العقول عن آل الرسول صلى الله عليهم، ايران - قم: جامعه مدرسین، ١٤٠٤ق.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علي، مناقب آل أبي طالب عليهم السلام، قم - ايران: علامه، ١٣٧٩ق.
- ابن قولويه، جعفر بن محمد، كامل الزيارات، عبدالحسين امينی، نجف اشرف - عراق: دار المرتضوية، ١٣٥٦ق.
- ازهری، محمد بن احمد، تهذيب اللغة، لبنان - بيروت: دار إحياء التراث العربي، ١٤٢١ق.
- برقي، احمد بن محمد، المحاسن، دار الكتب الإسلامية، ١٣٧١ق.
- جليلى، نعمت الله؛ غلامعلی، مهدي؛ و محمودی، ضياء الدين، الأصول الستة عشر، قم - ايران: مؤسسه علمي فرهنگي دار الحديث. سازمان چاپ و نشر، ١٤٢٣ق.
- جوهری، اسماعيل بن حماد، الصحاح، لبنان - بيروت: دار العلم للملايين، ١٤٠٤ق.
- حسن بن علي (عليه السلام)، امام يازدهم، تفسير منسوب به امام حسن عسگری عليه السلام، ايران - قم: مدرسة الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ١٤٠٩ق.
- حسينی، سيد محمد حسين، فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهي، ايران - تهران: سروش، ١٣٨٢ق.
- دفتر همكاری حوزه و دانشگاه، درآمدی بر حقوق اسلامي، ايران - قم: دفتر انتشارات اسلامي، ١٣٦٤ق.
- راغب اصفهانی، حسين بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، لبنان - بيروت: دار الشامية | ادار القلم، ١٤١٢ق.
- زبيدي، سيد مرتضى حسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، لبنان - بيروت: دار الفكر، ١٤١٤ق.
- سليم بن قيس هلالی، اسرار آل محمد عليهم السلام، ترجمه‌ی اسماعيل انصاری زنجانی خوئينی، ايران - قم: نشر الهادي، ١٤٠٥ق.
- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، قم - ايران: مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي (ره)، چاپ دوم، ق ١٤٠٤.



- طبرسى، احمد بن على، الاحتجاج، ايران - مشهد مقدس: نشر المرتضى، ١٤٠٣ق.
- طريحي، فخرالدين بن محمد، مجمع البحرين، احمد حسينى اشكورى، ايران - تهران: مكتبة المرتضوية، ١٣٧٥ق.
- طوسى، محمد بن حسن، الأمالي، بنياد بعثت. واحد تحقيقات اسلامى، قم: دار الثقافة، ١٤١٤ق.
- ، تهذيب الأحكام، على آخوندى، محمد آخوندى، و حسن خراسان، تهران - ايران: دار الكتب الإسلامية | مطبعة النعمان | دار صعب، ١٤٠٧ق.
- عسكرى، حسن بن عبد الله، الفروق فى اللغة، لجنة إحياء التراث العربى، لبنان - بيروت: دار الآفاق الجديدة، ١٤٠٠ق.
- عياشى، محمد بن مسعود، تفسير العياشى، ٢ ج. تهران - ايران: مكتبة العلمية الاسلامية، ١٣٨٠ق.
- فراهيدى، خليل بن احمد، العين، قم - ايران: مؤسسة دار الهجرة، ١٤٠٩ق.
- فيروزآبادى، محمد بن يعقوب، القاموس المحيط، لبنان - بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٤ق.
- فيومى، احمد بن محمد، المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعى، ايران - قم: مؤسسة دار الهجرة، ١٤١٤ق.
- كشى، محمد بن عمر، اختيار معرفة الرجال، محمد بن حسن طوسى و حسن مصطفوى، ايران - مشهد مقدس: دانشگاه مشهد. دانشكده الهيات و معارف اسلامى. مركز تحقيقات و مطالعات، ١٤٠٩ق.
- كلينى، محمد بن يعقوب، الكافي، ٨ ج. تهران - ايران: دار الكتب الإسلامية، چاپ چهارم، ١٤٠٧ق.
- مصطفوى، حسن، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران - ايران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، چاپ اول، ١٣٦٨ق.
- مفيد، محمد بن محمد، الأمالي، حسين استادولى و على اكبر غفارى، ايران - قم: كنگره شيخ مفيد، ١٤١٣ج.
- ، الإختصاص، على اكبر غفارى و محمود موسى زرندى، قم - ايران: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامى، ١٤١٣ب.
- ، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ايران - قم: كنگره شيخ مفيد، ١٤١٣الف.